



۲۰۲۰/۰۴/۰۱

م. اسحاق نگارگر

به جنبه های انسانی کرونا نیز بیندیشیم!

این ویدیو کلیپ را یکی از دوستان برای من فرستاده است که برای من بسیار جالب و در خور توجه است. کرونا برای ما مردم جهان یک مصیبت مشترک است و غالباً مصیبت های مشترک میان انسان ها نوعی هماهنگی و زبان مشترک به وجود می آرد.

در این آهنگ یهودی؛ عیسوی؛ مسلمان و دیندار و بی دین همه می خواهند که جهان از این مصیبت نجات یابد یعنی کرونا همه را با یک ترس مشترک رو به رو ساخته است. دینداران می پندارند که کرونا قاصدی است از جانب خدا که ایشان را به سوی فضیلت و تقوی فرا می خواند و بنا براین امیدوار استند که اگر به سوی فضیلت و تقوی که در هر سه دین آسمانی راه رسیدن به خدا است باز گردند؛ خدا (ج) این مصیبت را از آنان دفع می کند. بی دینان نیز در هراس و دلهره از مرگ با دیگران شریک استند ولی آنان در امید خود با دینداران شریک نیستند و امیدی از نوع دیگر دارند که ممکن دانش بشر چنانکه بر وبا ها و طاعون های قبلی غلبه کرده است بر این مصیبت نیز غلبه کند حالا چه وقت خدا میداند پس باز توفیق خدا با سعی دانشمند باید همراه شود.
به قول حضرت مولانا:

گفت پیغمبر به آواز بلند

با توکل زانوی اُشتر ببند

حالا ما چه وقت می توانیم زانوی این اُشتر نره بینی یعنی کرونا را ببندیم در همین جاست که امید به سراغ ما می آید. من می خواهم از خود بپرسم که اگر معجزه ای صورت می گرفت و ما با یقین کامل میدانستیم که فردا همه دارا و نادار؛ دانا و نادان؛ تندرست و بیمار یکجا می میریم و جهان از سر ما سبیل می ماند تا خدا فکری به حال این مهره مشکین یعنی زمین بکند و غیر از انسان دیگری را برای خلافت خود برگزیند که خلافت انسان بر زمین همانند دولت و وحدت ملی افغانستان یک تجربه ناکام بوده است و باز اگر بالفرض این آزمایش یک آزمایش مشروط باشد و به طور مثال به انسان گفته شود که هرکس از آنچه بدان غرور می فروشد بگذرد یعنی زیبا رویان از غرور جمال؛ دانشمندان از غرور دانش و ثروتمندان از غرور ثروت بگذرد آیا ما همانند جاندر سوگت خواهیم گفت که جانم را بگیرد ولی کاری با پولم نداشته باشید.

سعدی چه قدر زیبا میگوید که:

در بیابان فقیر گرسنه را

شلغم پخته به که نقره خانم

همین شام بود که پسر و عروس من و اندیوالم آمدند؛ برای ما سودا آوردند و عروس ما که چشم بد از او دور باد! برای ما قابلی مزه دار نیز آورده بود. قاعدتاً من و اندیوالم پیر استیم و مرگ برای هر دوی ما طبیعی است و به هر صورت ما دو تا زندگانی را زبانه لال به قیمت مرگ عزیزان خود نمی خریم اما احساس محبت آنان برای ما قابل تحسین است. آیا نمی شود همه انسان ها باهم خواهر و برادر و عزیز و دلبر باشند.

در هنگام مصیبت کرونا وضع همین است همه به همدیگر می گویند از خلوت خانه بیرون مرو که محیط بیرون سخت حادثه زاست. مصیبت ما انسان ها تنها همین وایرس کرونا نیست.

وایرس فقر و بیچیزی؛ وایرس بیماری های صعب العلاج و یا بدون علاج؛ وایرس جهل و تعصب و بالاخره وایرس غرور و خود بینی. این وایرس ها بیشتر از کرونا مشغول شکار آدمیزادگان استند. یا به طور مثال به آقایان غنی و عیدالله گفته شود که فردا عزرائیل با شما وعده ملاقات دارد و تنها آن کس که تاج قدرت را از سر بیفگند عزرائیل برایش مهلت زندگانی را تمدید میکند.

می بینیم که اگر ما مرگ را هرلحظه پیش چشم داشته باشیم سراپا فضیلت اخلاقی می شویم. حضرت رسول مقبول چه زیبا گفته است که «بمیر پیش از آنکه مُرده باشی» این آمادگی به مردن ترس را از ذهن ما می زداید و فریاد سعدی را به گوش جان ما می رساند که:

دُنیه آن قدر ندارد که بدو رشک برند

یا وجود و عدمش را غم بیهوده خورند

آری وایرس کرونا یک تازیانه عبرت است که آن گفته رسول مقبول را در ذهن ما زنده می کند که:

«بمیر پیش از آن که مُرده باشی»

فاعتبروا یا اولی الابصار
نگارگر ۳۰ مارچ ۲۰۲۰ برمنگهم



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این نویسنده بزرگ را مطالعه کنند، می توانند با

"کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!